

<http://doi.org/10.30510/pssci.2025.516564.1271>

Evaluating the Indicators of Good Governance in the Islamic Republic of Iran (With a Look at Habermas' Thought)

Jafar Mansouri¹
Nosratollah Heidari²
Hassan Golpaygani³

Received: 10 January 2025

Reception: 30 March 2025

Abstract

The model of good governance is a new and key topic that has entered the development literature in the past two decades and has quickly attracted everyone's attention. Good governance has been to avoid the results and consequences of bad governance, because the lack of democratic government and the lack of democratic structures cause problems and anomalies such as: poverty, inequality, unemployment, corruption, lack of health and education, and improper distribution of wealth at the societal level. Good governance has indicators and characteristics such as: participation, rule of law, transparency, accountability and responsibility, attention to public opinion and collective agreement or consensus, equality, effectiveness and efficiency. Considering what has been said, the main question of the article is what are the results of good governance indicators in the Islamic Republic of Iran? The research findings show that in the Islamic Republic of Iran, because policy-making in four areas of politics, society, economy and culture is carried out by the government, the results of this government policy-making are inconsistent with the indicators of good governance. The type of research method is descriptive-analytical and based on library studies.

Keywords:

Good governance, participation, public opinion, government, transparency

¹PhD student, Department of Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

²Assistant Professor, Department of Political Science, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran (Corresponding author)

³Assistant Professor, Department of Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran


<http://doi.org/10.30510/pssci.2025.516564.1271>

ارزیابی شاخص های حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران


(با نگاهی به اندیشه هابرماس)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۱

جعفر منصوری 

نصرت اله حیدری 

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰

حسن گلپایگانی 

چکیده

الگوی حکمرانی خوب موضوعی جدید و کلیدی است که در دو دهه گذشته وارد ادبیات توسعه شده و به سرعت توجه همگان را به خود جلب کرده است. حکمرانی خوب برای پرهیز از نتایج و پیامدهای حکمرانی بد بوده است، زیرا فقدان حکومت دموکراتیک و فقدان ساختارهای دموکراتیک باعث بروز مشکلات و ناهنجاری هایی مانند: فقر، نابرابری، بیکاری، فساد، کمبود بهداشت و آموزش و عدم توزیع صحیح ثروت در سطح جامعه می شود. حکمرانی خوب دارای شاخص ها و ویژگی هایی مانند: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت پذیری، توجه به افکار عمومی و توافق یا اجماع جمعی، برابری، اثربخشی و کارایی است. با توجه به آنچه گفته شد، سوال اصلی مقاله این است که نتایج شاخص های حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟ یافته های پژوهش نشان می دهد که در جمهوری اسلامی ایران به دلیل اینکه سیاست گذاری در چهار حوزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی توسط دولت انجام می شود، نتایج این سیاست گذاری دولت با شاخص های حکمرانی خوب ناسازگار است. نوع روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه ای می باشد.

کلمات کلیدی:

حکمرانی خوب، مشارکت، افکار عمومی، حکومت، شفافیت

^۱ دانشجوی دکترای گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

ارزیابی شاخص‌های حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران، به ویژه با توجه به اندیشه‌های یورگن هابرماس، فرصتی است برای تحلیل عمیق ساختارهای حکمرانی و چگونگی تعامل دولت با شهروندان در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی. حکمرانی خوب، به معنای مدیریت کارآمد، شفاف، و مسئولانه منابع و امور عمومی در یک جامعه، شاخص‌های مشخصی دارد که شامل مشارکت شهروندان، پاسخگویی، شفافیت، قانون‌مداری، عدالت اجتماعی، و اثربخشی در سیاست‌گذاری است. در این چارچوب، جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی سیاسی مبتنی بر اصول اسلامی و مردم‌سالاری دینی، ویژگی‌های خاصی در حکمرانی دارد که بررسی آن می‌تواند به درک بهتر نقاط قوت و ضعف ساختار حکومتی کشور کمک کند.

اندیشه‌های یورگن هابرماس، به ویژه نظریه کنش ارتباطی و نقش‌گفتمان عمومی، در تحلیل حکمرانی خوب جایگاه برجسته‌ای دارد. هابرماس بر اهمیت فضاهای عمومی تأکید می‌کند که در آن شهروندان بتوانند آزادانه و بدون محدودیت، دیدگاه‌ها و انتظارات خود را بیان کنند و دولت نیز موظف باشد به مطالبات این گفتمان جمعی پاسخ دهد. این رویکرد، مشارکت عمومی و تعامل سازنده میان دولت و مردم را به عنوان رکن اساسی حکمرانی خوب برجسته می‌کند. در جمهوری اسلامی ایران نیز، اصول قانون اساسی و زیرساخت‌های فرهنگی-اجتماعی، زمینه‌هایی را برای تحقق این گفتمان عمومی فراهم کرده‌اند؛ اما چالش‌هایی نظیر بوروکراسی پیچیده، ضعف در شفافیت مدیریتی، و محدودیت‌هایی در فضای اجتماعی ممکن است مانع از تحقق کامل این امر شوند.

ارزیابی شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران، با نگاهی به اندیشه‌های هابرماس، به بررسی این مسئله می‌پردازد که تا چه حد حکومت توانسته است اصول مشارکت‌محوری و عدالت‌گرا را در مدیریت امور کشور عملی سازد. در این راستا، جنبه‌هایی مانند نقش مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری، تأثیر رسانه‌های عمومی بر ایجاد فضای گفتمانی، و تعامل میان نهادهای دولتی و مدنی مورد توجه قرار می‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران، به عنوان نظامی دینی و انقلابی، تلاش کرده است با تلفیق اصول اسلامی و مردم‌سالاری، الگوی مختص به خود در حکمرانی خوب را ایجاد کند. با این حال، چالش‌هایی همچون سیاست‌زدگی نهادها، فاصله میان سیاست‌های کلان و انتظارات عمومی، و برخی محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی، این مسیر را پیچیده‌تر کرده‌اند.

مطالعه حکمرانی در ایران، در کنار اندیشه‌های هابرماس، زمینه‌ساز شکل‌گیری یک فهم جدید از چگونگی مدیریت امور عمومی در جامعه‌ای دینی و انقلابی خواهد بود. این مطالعه، هم به تحلیل نقاط ضعف و قوت ساختارهای حکومتی می‌پردازد و هم پیشنهادهایی برای بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب ارائه می‌دهد. در نهایت، ارزیابی این شاخص‌ها می‌تواند به تعامل سازنده‌تر میان دولت و جامعه، ارتقای کیفیت حکمرانی، و تحقق بهتر اهداف کلان ملی در چارچوب ارزش‌های دینی و مردمی بیانجامد.

چارچوب نظری (نظریه حوزه عمومی هابرماس)

آن چه موجب جلب نظر هابرماس به مقوله حوزه عمومی در گذشته و حال شده است، اهمیت این مفهوم به عنوان اساس نقد جامعه مبتنی بر اصول دموکراتیک بوده است. حوزه عمومی عرصه‌ای است که در آن افراد به منظور مشارکت و مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند (هولاب، ۱۳۸۸: ۲۵).

هابرماس در تبیین و توضیح مفهوم حوزه عمومی می‌گوید: منظور من از حوزه عمومی قبل از هر چیز عرصه یا قلمرویی از حیات اجتماعی ماست که در آن بتوان چیزی را در برخورد با افکار عمومی شکل داد... زمانیکه [زمانی که] شهروندان درباره مسائل مورد علاقه عمومی و منافع عمومی به گونه‌ای آزاد و بی‌قید و بند - یعنی با تضمین آزادی اجتماعات و انجمن‌ها، آزادی بیان و چاپ نشر افکارشان - با یکدیگر مشورت و کنکاش می‌کند [می‌کنند] در واقع به صورت یک پیکره عمومی عمل می‌کنند. تعبیر افکار عمومی به رسالت انتقاد و نظارتی اشاره دارد که پیکره عمومی شهروندان به طور غیررسمی در برابر طبقه حاکم اعمال می‌کند» (نوذری، ۱۳۸۱: ۴۶۶).

به اعتقاد هابرماس در صورت گسترش تعداد افراد یا اشخاصی که حوزه عمومی یا اجتماعی را تشکیل می‌دهند، به عبارت دیگر در صورت گسترده بودن حوزه عمومی، ارتباط و مفاهمه میان آنان مستلزم ابزار معینی برای پراکنش و انتشار عقیده و تأثیرگذاری است. زیرا با توجه به گستردگی حوزه عمومی و افزایش تعداد افراد خصوصی که در کنار هم گرد آمده و با تشکیل اجتماع عرصه فعالیت‌های عمومی را با جدیت و کارایی بیشتری دنبال می‌نمایند، اصلی‌ترین و اساسی‌ترین چیزی که به آن نیاز دارند گسترش و پراکنش ارتباط و مفاهمه در میان آنان است؛ به گونه‌ای که میزان تأثیرگذاری و نفوذ ارتباطات و مفاهمه در میان آنان به نحو احسن افزایش یافته و در تمام خلل و فرج یا بسترهای حوزه یاد شده نفوذ نماید. اما خود این گسترش و پراکنش ارتباطات نیز مستلزم وجود ابزار، امکانات و دستگاه‌ها یا جهاز خاصی است که همزمان با رشد و پیشرفت علم و تکنولوژی و دانش بشری متفاوت خواهد بود (نوذری، ۱۳۸۱: ۴۶۷).

به زعم هابرماس گفت و گو در حوزه عمومی هنگامی نقش رهایی بخش خود را ایفا خواهد کرد که شرایط خاصی برقرار باشد. این شرایط از این قرارند: شکل و محتوای گفت و گو باید عقلانی — انتقادی باشد؛ در حوزه عمومی تنها درباره موضوعات مدنی مشترک بین شهروندان باید گفت و گو شود؛ و طرح موضوعات خصوصی مجاز نیست؛ شرکت کنندگان باید همه تفاوتها و تمایزات میان خود را نادیده بگیرند و همچون افراد برابر در گفت و گو مشارکت نمایند؛ فرایند گفت و گو محدود به شکل گیری افکار عمومی است و هرگز نمی تواند به تصمیم سازیهای عملی و اداری منتهی شود؛ یک حوزه عمومی یکپارچه که رسیدن به وفاق در آن امکانپذیر باشد، همیشه بر تنوع و تعدد حوزههای عمومی ترجیح دارد (میناوند، ۱۳۸۵: ۱۲۵).

از نظر هابرماس حوزه عمومی، ارتباط تحریف نشده و بدون اجبار است. کنش سیاسی توسط حوزه عمومی اداره می شود و حکومت های مشروع، حکومت هایی هستند که به حوزه عمومی اهمیت می دهند (موسوی خامنه و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۸). هابرماس معتقد است که تفکیک بنیادین دولت و جامعه که زمینه اصلی شکل گیری حوزه عمومی است، قبل از هر چیز به معنای جدایی عناصر بازتولید اجتماعی از قدرت سیاسی است. فرایند ایجاد کارویژه های دولت توسط نیروهای جامعه (اصناف خصوصی) دقیقاً مرتبط بود با گسترش قدرت دولت و نفوذ آن در قلمرو خصوصی جامعه. بنابراین این دیالکتیک پیش رونده «دولتی شدن جامعه» و «نفوذ جامعه درون دولت» درست همان عاملی بود که زمینه اصلی شکل گیری حوزه عمومی بورژوازی؛ یعنی تفکیک دولت و جامعه را از بنیان خراب کرد (هابرماس، ۱۳۸۶: ۲۲۸-۲۲۷).

مبانی حکمرانی اسلامی در سند چشم انداز ۱۴۰۴

با ابلاغ سند چشم انداز بیست ساله، مسیر تکامل توسعه در دو دهه آینده کشور ترسیم گردید (عظافر و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱) این سند که پس از انقلاب اسلامی برای اولین بار در تاریخ ایران تدوین شده است بیانگر افق آینده ای است که ساخته می شود به عبارت دیگر این سند، به آینده، نه به عنوان جایی که ایران به آنجا می رود بلکه به عنوان آنجا که ایرانیان آن را به وجود می آورند، نگاه میکند. حضرت آیت الله خامنه ای، بعد از بازنگری و انجام برخی تغییرات از جمله افزودن قید هویت اسلامی و انقلابی - سند نهایی چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران را در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۸۲ به مسئولان و به نوعی به آحاد ملت ابلاغ کردند. از آن تاریخ مسئولان می بایست زمینه های مناسب و لازم را مهیا می کردند. بررسی محتوا و مضامین محوری در این سند که بیانگر ماهیت و هویت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران، است از

جمله مسیره‌های اصلی برای بازشناسی مبانی و الگوی حکمرانی در این نظام است.

جدول ۱- مضامین اسلامی در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

ردیف	مضمون	قلمروی اجتماعی	مصادیق
۱	هویت اسلامی	توسعه	ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام
		دیپلماسی	الهام بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم سالاری دینی
			تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)
۲	شریعت اسلامی	توسعه	توسعه یافته، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم سالاری دینی
۳	حاکمیت اسلام	کنش اجتماعی	فعال مسئولیت پذیر، ایثارگر، مؤمن متعهد به انقلاب و نظام اسلامی

مضامین بکار رفته در متن سند چشم‌انداز بیست ساله در افق ۱۴۰۴ به عنوان مهمترین سند بالادستی ناظر به آینده کشور با رویکرد توسعه و پیشرفت، به طور قطعی بر موازین و اصول اسلامی تکیه دارد اهمیت این امر بیش از همه بدین خاطر است که چارچوب طراحی چهار برنامه توسعه مهم از ابتدای دهه هشتاد شمسی تا ابتدای قرن پانزدهم شمسی می‌بایست مبتنی بر این سند معیار باشد. سه مضمون اصلی «هویت اسلامی»، «شریعت اسلامی» و «حاکمیت اسلام» محوریت ویژه‌ای در این سند داشته و ماهیت حکمرانی اسلامی را بدین صورت شکل می‌دهد این مضامین نیز به طور غالب رویکرد توسعه در نظام جمهوری اسلامی ایران دلالت دارند.

حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران، دارای مبانی و اصول بنیادینی می‌باشد که به نوعی شکل‌دهنده هویت نظام مدیریتی و حکمرانی کشور و رهنمون سیاست‌گذاران و حکمرانان به سمت افق آینده این مسیر تاریخی می‌باشد.

براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حکومت ایران، جمهوری اسلامی است که ملت ایران براساس اعتقاد دیرینه به حکومت حق و عدل قرآن ... به آن رای مثبت دادند (اصل ۱) دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه امکانات خود را برای ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی، بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسائل دیگر؛ محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی؛ رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی و ... به کار برد (اصل ۳) در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی از راه انتخابات انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی اعضای شوراها و نظایر این‌ها یا از راه همه پرسی اداره شود (اصل ۶). بدین منظور قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران از سه قوه مستقل مقننه، مجریه و قضاییه تشکیل می‌شود که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت، طبق اصول قانون اساسی اعمال می‌گردند (اصل ۵۷).

اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است و مصوبات آن برای اجرا به قوه مجریه و قضاییه ابلاغ می‌شود (اصل ۵۸) مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رای مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد (اصل ۶۲) مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند (اصل ۷۱) و حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد (اصل ۷۵) اعمال قوه مجریه جز در مواردی که در قانون اساسی مستقیماً برعهده رهبری قرار دارد، از طریق رئیس جمهور و وزرا است (اصل ۶۰) پس از مقام معظم رهبری، رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد (اصل ۱۱۳).

۲-جامعه مدنی

براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش شهر شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند (اصل ۱۰۰) و استانداران فرمانداران بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراها، ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند (اصل ۱۰۳) افزون براین به منظور تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشبرد امور در

واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران و در واحدهای آموزشی اداری خدماتی و مانند این‌ها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل می‌شود (اصل ۱۰۴). احزاب، جمعیت‌ها انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند ... و هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت (اصل ۲۶).

۳- مبارزه با فساد

در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به بحث پیشگیری از فساد مالی و اداری اشاره شده است. از جمله در اصل ۴ قانون اساسی مقرر شد تمام قوانین و مقررات اعم از مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی و ... : باید بر اساس موازین اسلامی باشد. بدیهی است در دین اسلام هیچ‌گونه جایگاهی برای امور مفسده‌دار و نامشروع شناخته نشده و همین امر باعث می‌شود قوانین منطبق با موازین مذکور، سلامت نظام اقتصادی، مالی و اداری جامعه را تنظیم و از بروز فساد جلوگیری نماید. در اصل ۴۴ قانون اساسی مقرر شد مالکیت در سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی به شرطی معتبر و مورد حمایت است که از محدوده قوانین اسلام تجاوز نکرده باشد. در اصل ۱۵۶ الی ۱۷۴ قانون اساسی بر وظایف قوه قضاییه و سازمانهای زیر مجموعه آن اشاره شده است. در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی نیز پیشگیری از وقوع جرم را بعنوان یکی از وظایف آن قوه ذکر نموده است. اصل ۱۷۴ قانون اساسی که وظیفه نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین را بر عهده سازمان بازرسی کل کشور گذاشته است. بنابراین قوه قضاییه مکلف است در مواردی که تشخیص دهد امکان وقوع جرایم و مفسدگی در آینده می‌رود باید از طریق راه‌های قانونی از وقوع آن جلوگیری نماید. همچنین بر نظارت و کنترل پذیری در اصول ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۷۶، ۸۸، ۸۹، ۹۰، بندهای ۱، ۷ و ۱۰ اصل ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۷۰ و ۱۷۳ تصریح شده است.

۴- حاکمیت قانون

در مفهوم حکمرانی خوب، موضوع حاکمیت قانون مورد توجه قرار گرفته و به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی آن مطرح گردید. یکی از اندیشه‌های حاکم و حقوق اساسی مدون که همه اندیشمندان حقوق و علوم سیاسی بر آن تأکید دارند اصل حاکمیت قانون است. رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) در فرازهای مختلف بر جنبه قانونمدار بودن حکومت تأکید داشته‌اند چون حکومت اسلام حکومت قانون است برای زمامدار علم به قوانین لازم می‌باشد (صحیفه نور، ج ۳: ۲۷). و یا این حکومتی است که در مقابل قانون همگی علی

السواء حاضرند (صحیفه نور، ج ۲۱: ۴۷). در اصل ۳ بند ۶، محورگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی آورده شده است. در قانون اساسی وظایف و اختیارات مقامات عالیه کشوری از رهبری تا کارگزاران آن در اصل های ۱۷۳، ۱۷۰، ۱۵۵۶، ۱۴۰، ۱۳۳، ۷۲، ۷۱، ۱۱۰ و دیگر قید شده است. روشن است که حاکمیت قانون نیاز به سازوکارهای نظارتی و پایشی دارد تا حاکمان نتوانند با استفاده از قدرت خود قوانین را اجرا نکرده و یا براساس سلیقه های خود به اجرا گذارند. در عالی ترین سطح دولت جمهوری اسلامی که رهبری است (اصل ۱۱۱) برای مجلس خبرگان وظیفه نوعی نظارت و پاسخگویی رهبری به آن دیده می شود. براساس اصل ۱۱۲ قانون اساسی مجمع تشخیص مصلحت نظام در مواردی که مصوبه مجلس بر اساس نظر شورای نگهبان برخلاف شرع یا قانون اساسی باشد و اصرار مجلس بر آن وجود داشته باشد به واسطه مصلحت مبادرت به تصمیم گیری می نمایند. اصل ۱۷۸ با تعریف شورای امنیت ملی، اختیارات قانونی به وی می بخشد. به نظر می رسد شاخصه حاکمیت قانون در قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران قابل مشاهده می باشد.

۵- عدالت گرایی

با توجه به برخورداری عدالت از ابعاد مفهومی متعدد، عدالت به معنای رفع تبعیض (بند ۹ و ۱۲ از اصل ۳ و اصل ۴۸) عدالت به معنای برابری در امتیازات (اصل ۲۰) عدالت به معنای حقوق متناسب (اصول ۲۹، ۳۰ و ۳۱) و عدالت به معنای برقراری فرصت و شرایط مساوی (بند ۱۴ از اصل ۳ و اصل ۲۸) مورد تاکید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل، دوم، همه امکانات خود را برای رفع تبعیض های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی و همچنین برای پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه، مسکن، کار بهداشت و تعمیر بیمه به کاربرد و حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد را تامین و امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون را ایجاد کند (بند ۳، ۹ و ۱۴ از اصل ۳) افزون براین همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند (اصل ۲۰). برخورداری از تامین اجتماعی آموزش و پرورش و تحصیلات عالی رایگان و مسکن متناسب با نیاز حقی است همگانی (اصل ۲۹، ۳۰ و ۳۱) درنهایت، دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به

مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند (اصل ۲۸).

۶- مسئولیت پذیری

در متن قانون اساسی، رهبری در مقابل مجلس خبرگان دارای مسئولیت شناخته شده و مجلس خبرگان نقش نظارتی بر وی را برعهده دارد که اصل ۱۱ به آن اختصاص یافته است. در قانون اساسی قوه مجریه تحت بالاترین سطح نظارت و جوابگویی و مسئولیت در مقابل سایر قوا و رهبری قرار داده شده است. اصل ۱۳۴، ۱۳۳، ۸۹ و ۸۸ مسئولیت سیاسی شخص ریاست جمهوری در اصل ۱۱۰ بند ۱۰ مسئولیت کیفری وی مورد توجه قرار گرفته شده است. هیئت دولت و وزیران در اصول ۸۸، ۸۹ و ۱۴۷ دارای مسئولیت سیاسی در مقابل مجلس شناخته شده و در اصل ۱۴۰ نحوه رسیدگی کیفری نسبت به اعمال آنها مشخص و در اصل ۸۴ مسئولیت آنان در مقابل تمام ملت قید شده است. اصل ۱۷۱ و ۱۶۴ بر مسئولیت و نحوه عمل قضات تأکید گردیده است. اصل ۱۴۳ به مسئولیت ارتش و سپاه پاسداران برای تمامیت ارضی کشور و نظام جمهوری اسلامی پرداخته است. بدیهی است مسئولیت پذیری به منزله پاسخگو بودن نیز هست و موارد گفته شده همه بر این منوال قرار دارند. می‌توان با بررسی قانون اساسی موارد ذیل را به عنوان روابط مسئولیتی متقابل نهادها و افراد در داخل دولت و در مقابل مردم به صورت تفکیک شده احصاء کرد.

۷- پاسخگویی

۱- مقام رهبری: براساس اصل ۱۱۱ قانون اساسی دارای نوعی پاسخگویی در مقابل مجلس خبرگان است.

۲- رئیس جمهور: پاسخگویی در برابر مردم (اصل ۱۲۲ قانون اساسی)، پاسخگویی در برابر رهبری (اصل ۱۲۲ قانون اساسی)، پاسخگویی در برابر رهبری (اصل ۱۲۲ و ۸۹ قانون اساسی) را برعهده دارد.

۳- قوه مقننه: پاسخگویی در برابر شهروندان و مجلس (اصل ۹۰ قانون اساسی)، پاسخگویی رهبری در پیروی از سیاست‌های کلی نظام را انجام می‌دهد.

۴- قوه مجریه: پاسخگویی در برابر رهبری در پیروی از سیاست‌های کلی نظام، پاسخگویی در برابر مجلس شورای اسلامی برای اجرای قانون، پاسخگویی به تحقیق و تفحص، پاسخگویی تذکرات، سوال و استیضاح نمایندگان (اصل ۸۹)، پاسخگویی اجرای دقیق قانون بودجه (نظارت به وسیله دیوان محاسبات)، پاسخگویی شکایات مردمی از طرز عمل قوه مجریه (اصل ۹۰)، پاسخگویی در برابر قوه قضائیه، احقاق حقوق شهروندان (از طریق دیوان عدالت اداری و دادگاههای عمومی)، پاسخگویی برای اجرای دقیق قوانین (با نظارت سازمان

بازرسی کل کشور)، بررسی داریی رئیس جمهور، وزیران و معاونین رئیس جمهور توسط رئیس قوه قضائیه که برخلاف حق افزایش نیافته باشد (پاسخگویی به رئیس قوه قضائیه).

۵- قوه قضائیه: پاسخگویی در برابر قوه مقننه بابت اجرا یا عدم اجرای قوانین و شکایات مردمی از طرز کار قوه قضائیه (اصل ۹۰)، پاسخگویی در برابر مقام رهبری، پاسخگویی در برابر رئیس جمهور (البته لازم به ذکر است این نوع پاسخگویی در قانون اساسی به صراحت بیان نشده اما این پاسخگویی به موجب وظیفه رئیس جمهوری در اجرای قانون اساسی است). پاسخگویی فقهای شورای نگهبان: به رهبری، پاسخگویی صدا و سیما: به مقام رهبری (گرچه به صراحت در قانون اساسی آورده نشده منتها از متن قانون اساسی قابل برداشت است، پاسخگویی نیروهای مسلح به مقام رهبری.

بررسی حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران بر اساس شاخصه ها

۱- کارایی و اثر بخشی دولت و مبارزه با فساد

افزایش شفافیت می تواند استفاده از روش های غیرقانونی از جمله فساد را در جامعه محدود نماید. عدم شفافیت سیاست ایران را می توان در فعالیتهای چون سانسور کردن رسانه های منتقد، پاسخگو نبودن مسئولان دولتی نسبت به مشکلات مردم و... که در قلب اقدامات دولت و ارتباط آن با شهروندان می گنجد، مشاهده کرد نبود شفافیت در فرهنگ حاکم بر جامعه ایران یکی از دلایلی است که امکان تحقق حکمرانی خوب را با مشکل مواجه می کند (حشمت زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶) و این چیزی است که آمارهای ارائه شده از سوی بانک جهانی هم طی سال های متمادی، آن را نشان می دهد طبق بررسی های این بانک در شاخص کنترل فساد که نقطه مقابل شفافیت قرار می گیرد در سال ۲۰۰۶ ایران در بین ۲۰ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا در رتبه ۱۶ قرار دارد (فرارو، ۱۳۷۸: ۴۱). وضعیت ایران در سال ۲۰۰۷ نیز در بین ۲۵ کشور منطقه به رتبه ۱۳ رسیده است؛ در همین سال طبق مطالعه، کافمن ایران در شاخص کنترل فساد در بین ۲۰۸ کشور جهان رتبه ۱۳۱ را به خود اختصاص داده است (عسگری آزاد مرد علی، ۱۳۸۹: ۷۳ ۷۸). این آمارها مطابق با نمره ای که ایران در سال های ۲۰۰۲، ۲۰۰۶، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶ که به ترتیب نمره ی ۳۸ ۵۰، ۲۰، ۲۶ را به دست آورده نشان می دهد که شاخص کنترل فساد ایران در سال ۲۰۱۱ در بدترین حالت خود قرار داشته و با اینکه در سال ۲۰۱۶ با نمره ۲۶ نسبت به ۲۰۱۱ رو به بهبود بوده اما در مقایسه با ۲۰۰۲ هنوز فاصله زیادی دارد.

۲- عنصر شفافیت

در جمهوری اسلامی ایران شفافیت در حوزه‌های اطلاعاتی، مشارکتی، پاسخ‌گویی و موضوعی، به بهانه ترس از آنومی شدن شرایط و ناهنجاریهای اجتماعی و بیشتر به دلیل و بهانه سیاسی و امنیتی فدای مصلحت و پنهان کاری می‌شود به ویژه آنکه پنهان‌کاری به جای شفافیت در مسائل سیاسی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، قضایی تقنینی و اداری، موجب شکاف اعتماد بین مردم و حاکمیت شده و این وضعیت در دولت‌های مختلف متفاوت بوده است. براساس نکات فوق مهم‌ترین کانون شفافیت دولت است که موجب می‌شود سایر نهادها نیز متاثر شوند. پیشگامی دولت در شفاف‌سازی بسیار موثر است شاخص شفافیت بانک جهانی از جمله شاخص‌هایی است که کمتر مورد نقد واقع شده و جمهوری اسلامی ایران نیز تلاش‌هایی در این زمینه داشته که نیازمند تقویت است.

یکی از مواردی که به افزایش شفافیت در نظام جمهوری اسلامی می‌انجامد ساختار قانونی نهادی شفاف است که می‌تواند راه را برای فعالیت گروه‌ها و احزاب سیاسی که تسهیل‌کننده شفافیت هستند باز کند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل را بر آزادی بشر در انتخاب‌هایش گذاشته است در اصل ۲۶ قانون اساسی «احزاب، جمعیت‌ها انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی و وحدت ملی موازین اسلامی و اساس جمهور اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت» بدین ترتیب به نظر می‌رسد مانعی در راه فعالیت احزاب نمی‌تواند وجود داشته باشد ولی در عمل دیده شده است که این اصل نتوانسته است به طور کامل اجرا شود و فعالیت احزاب همواره با مانع مواجه شده است. در اینجا دو نکته قابل تامل است، با وجود تصریح قانون در مورد آزادی احزاب همواره فعالیت آنها با موانعی روبرو شده است که شامل محدودیت‌های قید شده در قانون فعالیت احزاب است. از سوی دیگر وجود اصل ولایت فقیه و دامنه اختیارات فراقانونی این مقام موانعی را برای فعالیت احزاب به وجود آورده است. همچنین کمیسیون ماده ۱۰ موانعی را برای فعالیت احزاب فراهم کرده که گذشتن از آن به راحتی ممکن نیست. از موارد جنجال برانگیز برای فعالیت احزاب و جرایم سیاسی به اصل ۱۶۸ قانون اساسی برمی‌گردد، که در این اصل مقرر می‌شود که رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸)

اجرای این اصل محل نزاع و اختلاف میان گروه‌های سیاسی را فراهم کرده است (Jasbi and Nafari: 2009: 55).

۳- حق اظهارنظر و پاسخگویی

پاسخگویی به عنوان یکی از شاخص‌های مهم و اساسی حکمرانی، خوب، علاوه بر نهادهای دولتی، بر بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی نیز تأکید دارد. طبق این شاخص، بخش‌های فوق همگی باید در مقابل عامه مردم و اعضای خود پاسخگو باشند (حشمت زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱).

سنجش حق اظهارنظر و پاسخگویی در مورد یک کشور نیاز به نشانگرهایی دارد که این شاخص از حکمرانی خوب بر آن استوار است. از جمله نشانگرهای حق اظهارنظر و پاسخگویی می‌توان به تغییر منظم دولت‌ها نظام حقوقی شفاف و عادلانه توزیع برابر فرصت‌ها و میزان اطلاعات صاحبان «کسب و کار اشاره کرد اگر بخواهیم نشانگرهای حق اظهارنظر و پاسخگویی را در مورد ایران بسنجیم، وضعیت مناسبی در مورد ایران ملاحظه نمی‌شود؛ بدین صورت که علی‌رغم تلاش‌هایی که در جهت تغییرات منظم دولت‌ها صورت گرفته اما در عمل تغییرات به صورت منظم و مطابق با نیازمندی‌های جامعه نبوده است در نشانگر نظام حقوقی شفاف عادلانه، وضعیت به مراتب بدتر جلوه می‌کند «سانسورهای مرتب اخبار روزنامه‌هایی که سعی در برملا کردن عملکرد ناصواب ارگان‌ها را دارند عدم پاسخگویی مسئولان به مشکلاتی که بیش از پیش گریبان گیر مردم شده است و دولت تنها با جلب کردن نظر مردم» به مسائلی به غیر از معضلات اصلی آن‌ها که به نوعی می‌توان آن را کتمان مشکلات دانست، عدم الزام هیچ مقامی برای رفع مسائل مردم عدم الزام مسئولان برای تبیین عملکرد خود، پیشرفت مداوم سرمایه‌داران رانت خوار به ضرر عامه مردم و شکاف عمیق، طبقات همگی از سیستمی غیرشفاف و ناعادلانه حکایت دارد.

در رابطه با توزیع برابر فرصت‌ها باید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را یک گام مهم و مؤثر دانست؛ به طوری که طبق آن باید امکان تحصیل، برابر فرصت‌های شغلی برابر و غیره در اختیار همگان قرار گیرد بر پایه قانون اساسی سیستم‌های جامعی نیز برای دسترسی همگان به فرصت‌های برابر پیدا شده است با این حال وجود اعمال نفوذها و امکانات بیشتر در دست ثروتمندان» هنوز هم در این زمینه مشکلاتی را ایجاد می‌کند در زمینه میزان اطلاعات کسب و کار هم صاحبان مشاغل اطلاعات چندانی از قوانین به خصوص از نوع جدید آن ندارند. هر چند تلاش‌های دولت در این زمینه قابل تحسین است اما هنوز کافی نیست و تلاش‌های بیشتری در این زمینه لازم است (کریمی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۶ - ۷) آمارهای بانک جهانی هم مطالب فوق را تصدیق می‌کند. طبق

بررسی‌هایی که بانک جهانی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ انجام داده، ایران به طور کلی در شاخص‌های حکمرانی خوب رتبه ۱۲۰ الی ۱۳۰ را در میان ۱۷۸ کشور به دست آورده است.

بررسی‌های بانک جهانی بدتر شدن وضعیت حکمرانی ایران در سال ۲۰۰۶ نسبت به سال ۲۰۰۲ را نشان می‌دهد در این دوره ایران از نظر حق اظهار نظر و پاسخگویی، رتبه ۱۶ را در بین ۲۰ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا کسب کرده است (فرارو: ۱۳۸۷: ۱۴). همچنین، در مطالعه‌ای که کافمن در بانک جهانی در سال ۲۰۰۷ انجام داده ایران در شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی در بین ۲۰۹ کشور رتبه ۱۹۲ را کسب کرده و در سطح منطقه، تنها از ۴ کشور منطقه بهتر بوده و از بین ۲۵ کشور رتبه ۲۱ را به خود اختصاص داده است (عسگری آزاد و مرد علی، ۱۳۸۹: ۷۵-۷۳) این وضعیت با توجه به نمره صفر تا صدی که مورد ملاک قرار گرفت بدین صورت است که نمره ایران در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶، به ترتیب بوده که نشان‌دهنده بدتر شدن وضعیت این شاخص است نمره شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی ایران در سال ۲۰۱۱ (نمره ۷) نیز نسبت به ۲۰۰۶ وضعیت بدتری را نشان می‌دهد. هر چند در سال ۲۰۱۶ وضعیت ایران در این شاخص با نمره ۱۱ بهبودی نسبی داشته اما با توجه به نمره ۱۷ ایران در سال ۲۰۰۲ هنوز نسبت به ابتدای هزاره سوم در وضعیت بدتری قرار داریم.

۴- شاخص اجماع

بر اساس معیارهای حکمرانی خوب جمهوری اسلامی ایران در موضوع اجماع‌سازی دچار آسیب است. درست است که یک نظام جمهوری اسلامی جایگزین نظام پادشاهی شده است و قانون اساسی بر این اساس تدوین شده، اما این کفایت نمی‌کند. ما نتوانسته‌ایم چشم‌اندازها و برنامه‌های بلندمدت ۲۰ ساله را که می‌تواند به زمینی شدن اهداف و خارج کردن آنها از حوزه ایده‌آل پردازی و کلی‌گویی کمک کند، با زبانی مشترک در عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری پیاده و برای آن قانونی متناظر تصویب کنیم. به همین علت مجریان نیز در تعریف برنامه‌ها و تبیین اهداف و سازوکارها دچار خطا می‌شوند. برای تغییر این وضعیت ما ابتدا باید دارای یک ایده مشترک شویم. کسانی که مرجع اثر هستند، باید بتوانند در فرآیند حکمرانی خوب افق روشن و مشترکی را تعریف کنند و سپس در تقویت، فربه‌سازی و پیشبرد آن اهداف، گام‌های مؤثری بردارند. اینکه ما امروز در رده‌های عالی قوای سه‌گانه کشور دچار تفاوت دیدگاه و فهم‌های متفاوتی از موضوعاتی همچون فرهنگ روابط خارجی و اقتصاد هستیم مشکل‌ساز است. اینکه ما از طریق رسانه‌های عمومی شاهد منازعه در عالی‌ترین لایه‌های قدرت هستیم همه اعتمادزدا بوده و مانع

شکل‌گیری دیدگاه‌های مشترک و اجماع است تا زمانی که این وضعیت در لایه نخبگان سیاسی، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان جریان داشته باشد نمی‌توان از جامعه انتظار داشت که متفاوت عمل کند. اما براساس الگوی حکمرانی خوب با توجه به وضعیت منطقه غرب آسیا، اجماع نظری و عملی موجود در ساحت تصمیم‌گیری در ایران است که از وضعیت موزاییکی ایران یک کل به هم پیوسته ملی و دینی ایجاد کرده است. اجماع در فرادست است که اجماع در جامعه را ایجاد کرده است. برخلاف کشورهای افغانستان، عراق، ترکیه، عربستان و... تنوعات قومی و مذهبی در ایران موجب مناقشات نظامی ایجاد مناطق خودمختار و اختلافات بی‌پایان نشده و تفاوت‌ها به عنوان نقطه قوتی در ایران مورد توجه است. سیستم مردم‌سالاری ایران که در بسیاری از کشورهای منطقه وجود ندارد ریشه در اجماع در سطح حاکمیتی و کلان است که امکان تصمیم‌سازی‌ها در ساحت کلان را موجب می‌شود. براساس شاخص‌های حکمرانی خوب، زمینه (غرب) (آسیا) و محیط پیرامونی مورد مشاهده قرار می‌گیرد و بر اساس آن ارزیابی انجام می‌شود.

۵- ثبات سیاسی

آمارهای ارائه شده در مورد ثبات سیاسی در ایران نشان می‌دهد طبق آمار ۲۰۰۶ ایران در بین ۲۰ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا، رتبه ۱۶ را به دست آورده است و تنها کشورهای، یمن، لبنان کرانه باختری (غزه و عراق از لحاظ ثبات سیاسی وضعیت بدتری نسبت به ایران داشته‌اند (فرارو، ۱۳۸۷). در سال ۲۰۰۷ نیز در یک مقایسه بین کشوری که کافمن انجام داده ایران از لحاظ ثبات سیاسی در بین ۲۰۹ کشور جهان، در جایگاه ۱۸۶ جای گرفته است. در همین مقایسه وضعیت ایران در بین ۲۵ کشور منطقه تنها از ۵ کشور بهتر بوده و جایگاه ۲۰ در شاخص ثبات سیاسی به ایران تعلق می‌گیرد (عسگری آزاد - مرد علی، ۱۳۸۹: ۷۶ - ۷۳) اگر بخواهیم این آمارها را بر پایه نمره ارائه نمایم نمره ایران در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۶، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶ به ترتیب ۲۳، ۱۷، ۸، ۲۰ بوده است. این وضعیت نشان می‌دهد که شاخص ثبات سیاسی ایران در سال ۲۰۱۱ در بدترین حالت خود قرار داشته و با این که در سال ۲۰۱۶ با نمره ۲۰ از آن بحران خارج شده اما نسبت به ۲۰۰۲ هنوز در وضعیت نامناسبی قرار دارد.

۶- حاکمیت قانون

شاخص حاکمیت قانون در ایران با توجه به پتانسیل‌هایی که جامعه ایرانی دارد، وضعیت خوبی نداشته باشد. بدین صورت که طبق بررسی‌های بانک جهانی در سال ۲۰۰۶ شاخص حاکمیت قانون در ایران در بین ۲۰ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا رتبه ۱۸ را نشان می‌دهد که نشان دهنده وضعیتی نامناسب است (فرارو، ۱۳۸۷: ۲۴). در سال ۲۰۰۷ نیز با توجه به مطالعه ای که کافمن انجام داده، در بین ۲۱۱ کشور مورد بررسی، جهان رتبه ایران در شاخص حاکمیت قانون بهتر از ۱۵۹ نشده و در منطقه نیز از ۲۵ کشوری که مورد مطالعه قرار گرفته ایران در رتبه ۱۶ جای گرفته است (عسگری آزاد- مرد علی، ۱۳۸۹: ۷۳ - ۷۷). اگر بخواهیم این آمارها را بر پایه نمره نمایم نمره ایران در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۶، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶ به ترتیب ۲۷، ۱۹، ۱۷، ۲۶ بوده است. شاخص حاکمیت قانون ایران در سال ۲۰۱۱ در بدترین حالت خود قرار داشته

و با این که در سال ۲۰۱۶ با نمره ۲۶ وضعیت رو به بهبودی را نشان می‌دهد اما نسبت به ۲۰۰۲ هنوز در وضعیت نامناسبی قرار دارد.

حاکمیت قانون به این مضمون اشاره دارد که قانون به عنوان مهمترین اصل در مدیریت سیاست عمومی به شمار می‌رود و تمامی مقامات حاکمیتی و شهروندان ملزم به رعایت آن هستند و باید در مقابل آن برابر باشند تنظیم رفتار شهروندان، مدیریت امور اجتماعی و حفظ یک نظم طبیعی در زندگی اجتماعی به عنوان هدف اولیه حاکمیت قانون و صیانت از حقوق سیاسی بنیادین شهروندان مانند آزادی برابری به مثابه هدف نهایی حاکمیت قانون به شمار می‌رود. (کمپجانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۱۹) بر این اساس، تمامی افراد، نهادها و دستگاه‌های دولتی یا خصوصی از جمله خود دولت نسبت به قوانینی که از استقلال وضع اعلام رسمی و اعمال یکسان برخوردار و با هنجارها و استانداردهای حقوق بشر بین المللی منطبق هستند پاسخگو و جوابگو هستند. این اصل، همچنین نیازمند اتخاذ اقداماتی به منظور تضمین پایبندی به اصول برتری قانون، برابری در مقابل قانون پاسخگویی نسبت به، قانون از صاف در اعمال قانون، تفکیک قوا، مشارکت در تصمیم‌گیری قطعیت، قانونی اجتناب از خودسرانگی و شفافیت رویه ای و حقوقی است (p. 2006, Welch & Nuru. 181 & 182).

۷- کیفیت قوانین و مقررات

در شاخص کیفیت قوانین و مقررات به مباحثی چون دخالت دولت در اقتصاد، کنترل قیمت‌ها و دستمزدها، موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای و محدودیت‌های دولتی برای ایجاد بنگاه‌ها توجه می‌شود (کریمی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۷) با این نوع نگاه یکی از ابزارهای اصلی دولت برای دخالت اقتصاد، قانون است. دولت با مقرراتی که وضع می‌کند می‌تواند نهادهای جدیدی را تعریف، تأسیس و مستقر نماید علاوه بر آن دولت این توان را دارد که با تصویب قوانین مناسب در بسترسازی لازم بر کارکرد بهینه دیگر نهادها و همچنین کارکرد بازار در اقتصاد، نقش قابل توجهی داشته باشد. قانونگذاری دولت زمانی مثمر خواهد بود که ویژگی‌های شفاف‌سازی برابری فرصت‌ها و به هنگام‌سازی نظام حقوقی را به همراه داشته باشد (سامتی و همکاران ۱۳۹۰: ۱۹۷-۱۹۵) علاوه بر آن دخالت یا عدم دخالت دولت در تجارت سرمایه‌گذاری خارجی و بانکداری سازگار کردن قوانین جاری با سیستم‌های قانونی دیگر کشورها سازگاری قوانین و مقررات مالیات با رشد اقتصادی وجود قوانین ضد انحصار، پرداخت یا عدم پرداخت یارانه‌ها به صنایعی که به طور غیر منطقی فعالیت می‌کنند و مهم‌تر از آن، دسترسی نهادهای مالی و بین‌المللی به بازارهای داخلی دستیابی سرمایه‌گذاران داخلی به بازارهای سرمایه خارجی و در نهایت شفافیت قوانین بخش عمومی برای سرمایه‌گذاران خارجی از مهمترین مواردی است که شاخص کیفیت قوانین و مقررات را در یک کشور نشان می‌دهد. با توجه به موارد فوق، کافمن مطالعه‌ای را انجام داده که در آن شاخص کیفیت قوانین و مقررات در ایران در وضعیت بسیار نامناسبی جای گرفته و ایران در بین ۲۵ کشور منطقه، رتبه ۲۳ را به دست آورده است. این مطالعه که در سال ۲۰۰۷ صورت گرفته (عسگری آزاد و مرد علی، ۱۳۸۹: ۷۷). در مقایسه با ۲۰۰۶ که در آن در بین ۲۰ کشور مورد مطالعه خاورمیانه و شمال آفریقا، رتبه آخر به

ایران اختصاص یافته تفاوت چندانی را نشان نمی‌دهد (فرارو، ۱۳۸۷: ۴۸).. اگر بخواهیم این آمارها را بر پایه نمره ارائه نماییم نمره ایران در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۶، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶ به ترتیب ۶، ۹، ۶، ۶ بوده است. این به معنای آن است که تنها معدود کشورهایی در این شاخص در طی سال‌های متمادی وضعیتی بدتر از ایران داشته‌اند. بدترین وضعیت ایران در این شاخص بین سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ رقم خورده است.

۸- کارایی و اثربخشی دولت

در پی آشکار شدن عدم کارایی‌های ناشی از فعالیت مجموعه شرکت‌های دولتی در اقتصاد کشور، در ایران نیز همچون دیگر کشورها، سیاست خصوصی‌سازی به عنوان یکی از راه‌حل‌های بهبود عملکرد، مدنظر تصمیم‌گیرندگان قرار گرفت. خط مشی‌های قانون برنامه اول توسعه و تبصره ۳۲ این قانون به عنوان اولین رهنمودهای حقوقی قانونی و سیاسی در زمینه تعیین تکلیف وضعیت مالی و عملیاتی شرکت‌های دولتی نقطه آغازی برای بررسی و مطالعه، تصمیم‌گیری، ارزیابی و اولویت بندی در واگذاری شرکت‌های دولتی شدند.

کمیجانی در تحقیقی با تحلیل عملکرد ۳۴ شرکت که از طریق بورس و ۵ شرکت که از طریق مذاکره طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ به بخش خصوصی واگذار گردیده‌اند نتایج ذیل را به دست آورد:

ترکیب سهامداران عمده پس از واگذاری نشان می‌دهد که در اغلب شرکت‌های واگذار شده، سهم خریداران بخش خصوصی بسیار اندک و بعضاً کمتر از ۱۰ درصد بوده است، و کماکان حضور بخش دولتی اعم از ارگان‌های بخش عمومی و یا بانک‌های دولتی در ترکیب سهامداران عمده شرکت‌های واگذار شده ملاحظه می‌شود.

افزایش در حجم فروش و سودآوری این شرکتها پس از واگذاری [صرفاً در نتیجه افزایش تولید و آن هم به دلیل تغییر ماهیت حقوقی این شرکت‌ها از دولتی به خصوصی نبوده است، بلکه شرایط خاص اقتصاد کشور همچون پایان جنگ تحمیلی آغاز دوران بازسازی، تخصیص ارز به فعالیت‌های صنعتی، افزایش سطح قیمت‌ها و تورم طی سال‌های اجرای سیاست خصوصی‌سازی بی‌تاثیر نبوده است (کمیجانی، ۱۳۸۲:

(۲۵۲-۳۱۴)

مهم‌ترین تحول در زمینه‌ی خصوصی‌سازی در ایران، با ابلاغ بند «ج» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۱۳۸۵ شکل گرفته است که شامل واگذاری ۸۰ درصد از سهام بنگاه‌های دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ به بخش‌های خصوصی، شرکت تعاونی سهام عام و بنگاه‌های عمومی غیر دولتی می‌باشد.

۹- مشارکت

براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است ... همه امکانات خود را برای ... مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش به کاربرد (اصل ۳) بدین منظور، در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید با اتکای آرای عمومی از راه انتخابات انتخاب رئیس جمهور نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر اینها یا از راه همه‌پرسی ... اداره شود (اصل ۶). به این ترتیب، شوراهای (مجلس شورای اسلامی

شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر این‌ها.... از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور هستند (اصل ۷). در مجموع، اصل مشارکت به عنوان یکی دیگر از مولفه‌های حکمرانی خوب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است و نقش‌آفرینی شهروندان در اداره امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور از طریق مکانیزم انتخابات نظارت و همه‌پرسی مورد تاکید و تصریح قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

حکمرانی یکی از اساسی‌ترین نیازهای جوامع بشری است که ضرورت آن بر کسی پوشیده نیست. البته، اختلاف نظرهای جدی در کم و کیف آن وجود دارد، با این حال دغدغه اصلی اغلب نظریه پردازان این حوزه، اجرای عدالت و جلوگیری از استبداد، خودکامگی و برقراری نظم و امنیت است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضمن تعریف اصول اساسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه و حدود قدرت سیاسی دولت، به تعیین و تضمین حقوق شهروندان و تنظیم روابط قدرت می‌پردازد. حکمرانی خوب گفتمان جدیدی است که با مؤلفه‌هایی مانند قانونمندی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، شفافیت، اثربخشی و کارایی تعریف می‌شود که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. هریک از معیارهای حکمرانی خوب بگونه‌ای در قانون اساسی ج.ا.ا. مورد تاکید بسیار بوده است و در عرصه عمل نیز شاهد بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون می‌باشیم ولی در عین حال در مقاطعی از این دوران شاهد برهم خوردن تعادل میان سه نهاد اصلی جامعه بوده‌ایم که در آینده‌ای نه چندان دور عوارض خود را نشان داده‌اند. بر اساس معیارهای جهانی در جمهوری اسلامی ایران به جهت آنکه سیاست‌گذاری در چهار حوزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به وسیله دولت (حاکمیت) و به شیوه عمودی صورت می‌گیرد، نتایج این سیاست‌گذاری دولت ناهمسو با شاخص‌های حکمرانی خواهد بود.

منابع

- انصاری، منصور. (۱۳۷۹)، هانا آرنست و نقد فلسفه سیاسی، تهران: نشر مرکز.
- امیراحمدی، هوشنگ و پروین، منوچهر. (۱۳۸۱)، ایران پس از انقلاب، ترجمه: علی مرشدی‌زاد، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- امیراحمدی، هوشنگ. (۱۳۸۱)، جامعه سیاسی، جامعه مدنی و توسعه ملی، تهران: نقش و نگار.
- پدرام، مسعود. (۱۳۸۰)، «دموکراسی اصیل: گفت‌وگو در عرصه عمومی»، آفتاب، شماره ۱۰.
- پدرام، مسعود. (۱۳۸۱)، «درآمدی نظری بر مبانی جنبش دوم خرداد»، آفتاب، شماره ۱۴.
- بخارایی، احمد. (۱۳۸۱)، دموکراسی و دشمنانش در ایران؛ جامعه‌شناسی فرهنگ سیاسی (۱۳۷۶-۱۳۸۰)، تهران: گام نو.
- پیوزی، مایکل. (۱۳۷۹)، یورگن هابرماس، ترجمه: احمد تدین، تهران: انتشارات هرمس.
- سعیدی، محمدرضا. (۱۳۸۲)، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی، تهران: سمت.
- جهان بگلو، رامین. (۱۳۷۹)، «تأثیر مهاجرت بر مدرن شدن ایران؛ گفت‌وگو با ویدا ناصحی- بهنام»، در: ایران و مدرنیته؛ مجموعه گفت‌وگوهای رامین جهانبگلو با پژوهشگران ایرانی و خارجی در زمینه رویارویی ایران با دستاوردهای جهان مدرن، تهران: نشر گفتار.
- ربیعی، علی. علی‌خانی، زهره. غلامی، فرزاد. (۱۳۹۱)، «تحلیل وبلاگ‌های سیاسی- اجتماعی با رویکرد حوزه عمومی هابرماس»، مجله جهانی رسانه، دوره ۷، شماره پیاپی ۱۴.
- شکری، غلام‌علی. اسماعیل‌زاده، خالد. و رفیعی، محسن. (۱۳۸۶)، «ارزیابی جنبش سبز در ایران»، زریبار، شماره ۶۶-۶۵.
- شهری، جعفر. (۱۳۸۱)، طهران قدیم، پنج جلد، تهران: انتشارات معین.
- صدیقی، بهرنگ. (۱۳۹۳)، «کافه فیس‌بوک و ارتباط اجتماعی»، اندیشه پویا، سال سوم، شماره بیستم، ۶۷.
- عبدالهیان، حمید. (۱۳۸۵)، «نقش جریان‌های هویت‌ساز روشنفکری در توسعه حوزه عمومی ایرانی؛ تیپولوژی روشنفکران»، فصلنامه مطالعات ملی، ۲۸، سال هفتم، شماره ۴.
- غفاری، مسعود. و قاسمی، علی‌اصغر. (۱۳۸۶)، «خاستگاه جنبش جوانان در ایران»، پژوهش علوم سیاسی، شماره ۴، بهار و تابستان ۸۶، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۳)، «فضیبه شکل چهارم»، مهرنامه، سال پنجم، شماره ۳۷.
- کاظمی، عباس. (۱۳۹۳)، «هدف تقویت فرهنگی طبقه متوسط»، مهرنامه، سال پنجم، شماره ۳۷.

هابرماس، یورگن. (۱۳۸۶). دگرگونی ساختاری حوزه عمومی: کاوشی در باب جامعه بورژوازی، ترجمه: جمال محمدی، تهران: نشر افکار.
نوذری، حسینعلی. (۱۳۸۶). بازخوانی هابرماس، تهران: نشر چشمه.

استناد:

منصوری، جعفر، nosratolah، نصرت اله، گلپایگانی، حسن. ارزیابی شاخص های حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران (با نگاهی به اندیشه هابرماس). *فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران* 1404،

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.516564.1271>